

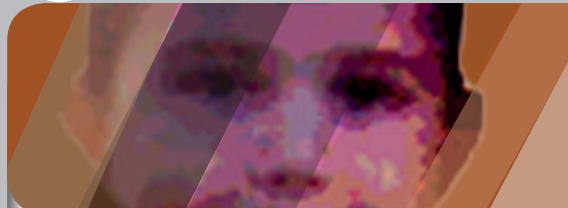


شده‌اند. خیلی مرموز و رمز آلود. مقابل خانه و خانه بوده‌اند که ناگهان ناپدید شده‌اند. انگار آب زمین. پدر و مادرشان برای یافتن آنها در این سال‌ها تنه‌اند اما دریغ از یک خبر خوش. هر مسیری را بکرده‌اند و تهنش بن بست بوده و به درخت ابدی شود. این هفته ماجرای ناپدید هایشان مرور کرده‌ایم؛ پدر و مادری که ن به آغوششان بازگردند.

## آخرین سفر



نزدیک ۳ بعد از ظهر ۱۱ مرداد سال ۸۸، خانواده جنیدی برای استراحت و خوردن ناهار در روستای گچسار در جاده چالوس توقف کردند و این آخرین تصویری است که خانواده از دارند. زهره برای قدم زدن از خانواده‌اش دور می‌شود که بعد از چند دقیقه پدر و مادرش نگران شده و به دنبالش می‌روند، اما هیچ ردی از زهره پیدا نمی‌کنند. پدر زهره می‌گوید: در حالی که خودش از آب می‌ترسید و می‌دانست نباید این کار را بکند به دلیل ادعای اطرافیان گمان کردیم که وارد آب شده است. به همین خاطر همان موقع شروع به جست‌وجو در آب کردیم. هیچ عمقی نداشت، با این حال دسته‌جمعی به تکاپو افتادیم. مأموران پلیس هم که آمده بودند اصرار داشتند دخترم در آب افتاده است. تا شش ماه کارمان جست‌وجو در آب بود. مردم محلی، هلال احمر و غواصانی که از همکارانم بودند همراه خودم و جب به جب رودخانه را تا ۴۸ کیلومتر گشتیم، هر روز ساعت ۷ صبح تا ۷ شب در آب بودیم، اما هیچ ردی از زهره پیدا نشد. پدر هر وقت فرصتی دست می‌دهد، مرخصی می‌گیرد و برای پیگیری پرونده دخترش از همدان به کرج می‌آید. او ادامه می‌دهد: وقتی جست‌وجوها در رودخانه بی‌نتیجه ماند، احتمال ربودن او به ذهنمان رسید. دخترم طلا همراه داشت و مردی هم او را زیر نظر داشت. احتمال می‌دهیم او را به خاطر طلاهایش دزدیده‌اند. ۱۱ سال از ماجرای ناپدید شدن دخترم گذشته و در این مدت از پاننشسته و همچنان پیگیر پرونده هستم و امید دارم یک روز دخترم به خانه برگردد.



با رها خوابش را دیده که می‌خندد، آرام به سمت او دیده و به او می‌گوید: «بابا می‌گردد». این را پدرش می‌گوید؛ پدر محمد امین که بیش از هفت سال است ن شدن او می‌گذرد و تنها سرخنی که در پرونده وجود دارد، دستگیری مردی قبل از روشن کردن سرنوشت پسر بچه جان باخت. رسیدگی به این پرونده ماه رمضان سال ۹۴ و با شکایت پدر محمد امین در پلیس آگاهی شهر نقاب ن خراسان رضوی آغاز شد. وی به مأموران گفت: چند دقیقه دیرتر از زمان کلاس ورزش، محمد امین به محل باشگاه رسیدم و با غیبت او مواجه شدم. من که داخل باشگاه رفتم متوجه شدم مسؤولان باشگاه لباس محمد امین کرده و او را دم در فرستادند. در ادامه با کمک مسؤولان باشگاه خیابان‌های جست‌وجو کرده، اما هیچ اثری از پسر نیافتیم. در ادامه رد مردی در این بداشت، اما او بعد از دستگیری جان باخت و سرنوشت محمد امین در هاله‌ای قرار گرفت. پدر او با گذشت هفت سال از ماجرا هنوز به بازگشت او امید دارد و ده که همه نوید بازگشت او را به خانه می‌دادند. او می‌گوید: در این مدت چند آنها به دست نیامد. ماجرای قتل پسر را باور ندارم و می‌دانم او را ربوده‌اند. شش پسر به خانه هستیم و روزهای سختی را می‌گذرانیم.

## بدون سرخ



آیناز غلامی، کودک خردسال همدانی است که ماجرای ناپدید شدن او از پنج مهر سال ۹۷ و همزمان با ناپدید شدن او در مقابل در منزلشان به فضای مجازی کشیده شد. تلاش‌ها برای بازگرداندن و یافتن او تاکنون بی‌نتیجه مانده است. چندی قبل رئیس پلیس آگاهی همدان در ارتباط با ناپدید شدن آیناز به یک جمله بسنده کرد. تاکنون سرخنی از آیناز پیدا نشده و تحقیقات ما همچنان ادامه دارد. پدر آیناز هم درباره ناپدید شدن دخترش می‌گوید: ساعت ۵ عصر روز جمعه بود. مهنا و آیناز جلوی در خانه بودند و بازی می‌کردند. تا این که مهنا به مادر می‌گوید دستشویی دارد. مادرش هم او را به خانه می‌برد. وقتی برمی‌گردد، هیچ اثری از آیناز نمی‌بیند. همان زمان با من تماس گرفت و خبر داد. سر کار بودم. بلافاصله به خانه برگشتم و تمام محله را به دنبال دخترم گشتم. یکی دو تا چاه آن اطراف بود، آنها را هم گشتم. هر جا فکر می‌کردم ممکن است آنجا باشد را دیدم ولی از آیناز خبری نبود. برای همین پلیس را در جریان ماجرا قرار دادم. اصلاً دشمنی نداریم که بخواهیم به او مظنون باشیم. پولدار هم نیستیم که بگوییم به خاطر پول یا حتی بدهی، دخترم را برده باشند. هیچ‌کس نیست که به او مشکوک باشیم. نمی‌توانم به زندگی عادی برگردم و سر کار بروم. تا دخترم پیدا نشود، نمی‌توانم خواب و خوراک داشته باشم.

## تفریح نحس



ماجرای ناپدید شدن پارسا از بازگشت یک خانواده از یکی از شهرهای شمالی آغاز شد. خانواده‌ای که در تعطیلات تابستان قصد سفر کرده بودند در راه بازگشت و در یک چشم برهم زدن فرزند خود را از دست دادند. پارسا هشت ساله در گوشه‌ای از جاده هراز غیب شد. از آن زمان، نیروهای امدادی از هلال احمر گرفته تا نیروی انتظامی همه برای یافتن وی کار خود را آغاز کردند. از آن روز تاکنون حدود ۴۰ ماه می‌گذرد، اما نشانی از این کودک یافت نشده و با وجود پیشنهاد مزدگانی نیم میلیاردی از سوی پدر برای یابنده پارسا، اما هنوز نشانی از وی نبوده است. پدر پارسا با اشاره به روز حادثه می‌گوید: روز حادثه همراه خانواده خواهرم در مسیر بازگشت از یکی از شهرهای شمالی بودیم. برای استراحت در نقطه‌ای از جاده هراز توقف کردیم. در کنار جایی که حضور داشتیم، رودخانه بود و پارسا در حال بازی کردن بود. مادرش چند دقیقه از او غافل شد و پس از آن متوجه غیبت پارسا شدیم. پس از مفقود شدن پارسا موضوع را به نیروهای پلیس اطلاع دادیم و در کنار گشت‌های آنها، خودمان نیز به جست‌وجوهایمان ادامه دادیم. اما هیچ ردی از او به دست نیامد. همچنان پیگیر این پرونده هستیم، اما نتوانستیم او را پیدا کنیم. از افرادی که از سرنوشت پسر اطلاع دارند می‌خواهم موضوع را به پلیس خبر دهند و به سه سال چشم‌انتظاری ما پایان دهند.

پن دختر بچه دوساله در قلعه‌نوی دی از او پیدا نشده است. کودک خردسال زنی بود که ناگهان ناپدید شد. بعد از ناپدید شدن که نشان می‌داد، او به سمت کوچه‌ای که د و بعد از آن از دید دوربین ناپدید می‌شود. پن دختر بچه، با کمک نیروهای هلال احمر پیدا شدن این دختر بچه را جست‌وجو کرد، پلیس تهران در برابر معمایی پیچیده قرار می‌گیرد که در کنار خانه ما قرار دارد، آژانس محل به دوربین مداربسته است. شب حادثه در هوا هشرش در حال بازی جلوی در خانه بودند. بیاده روی بروم و بچه‌ها می‌خواستند همراه انند و بازی کنند. دختر شش ساله‌ام در یک ست، دید زهره جلوی در خانه نیست. دوربین بال بازی کردن جلوی در خانه‌شان است و در می‌آوراه سمت دیگری صدامی زند و ناگهان بر نمی‌گردد. پلیس در این یک سال خیلی ت. ابتدا به ما گفتند داخل کانال آب افتاده، هیچ ردی از دخترم پیدا نشد. این ماجرا تأثیر من وارد شود، اما این ماجرا بزرگ‌ترین ضربه دود و به خانه برگردد. پدر زهره ادامه می‌دهد: دی از او پیدا کردیم خبرت می‌کنیم.